

## تجسم اعمال در قرآن و یاسین

طاهره لطیفی\*

### چکیده

تجسم اعمال از مباحث مربوط به معاد و قابل بررسی در علوم قرآنی، معاد شناسی، ادیان و... است که در این نوشتار با رویکرد قرآنی و روایی به آن پرداخته شده است.

با توجه به نقش و اهمیت قیامت در زندگی انسان و این که هر کس در آخرت، فقط بر سر سفره عقیده، اخلاق و عمل خویش می نشیند و همه درها و پل ها به روی انسان بسته است، قادر به جلب نفع یا دفع ضرری نیست، مگر این که راه و وسیله آن را در دنیا برای خود فراهم نموده باشد.

با غور نمودن در آیات قرآنی پی می بریم که اعمال، اخلاق و اعتقادات که در وجود ما تاثیر گذار هستند شکل و نوع وجودی ما را در آخرت ایجاد می کنند؛ یعنی: اعمال و اعتقادات و اخلاقیات حق و خداگونه، چهره زیبا به خود گرفته و بر عکس اعمال، اعتقاد، اخلاق باطل و رذیله به صورت خیلی زشت و کریه تجسم می یابند.

در این نوشتار حقیقت تجسم اعمال از منظر قرآن و آیات سوره یاسین و روایات

\* پژوهشگر، طلبه سطح ۳ حوزه، مدیر و مدرس حوزه علمیه امام حسن مجتبی (ع)

اهل بیت (ع) بررسی شده تا خود آگاهی و معرفت بیشتری کسب شود .  
در این مقاله روش تحقیق به صورت توصیفی و گردآوری اطلاعات به روش متنی  
و کتابخانه ای ارائه شده است .  
کلید واژه ها : تمثّل ، تجسم ، تجسّد ، تجسم اعمال ، قرآن .

## تجسم اعمال از نظر لغت و اصطلاح

تجسم در لغت به معنای : تناور شدن ، کار را به فراپیش گرفتن شیء معنوی و به  
جسم متحول گشته ، معنا شده است .

و اصطلاحاً تمثّل اعمال به معنای شکل ، جسم ، و پیکر در آمدن موجودات غیر مادی  
مانند : عقاید و اخلاق و اوصاف ، افعال و آثار انسان است ، که یکی از موضوعات مهم و  
تأمّل برانگیز معاد است .

این مساله اگر چه شاخه ای از کیفر و پاداش اخروی است ، ولی در بحث شهود و  
گواهان قیامت نیز می تواند راه گشا باشد ، زیرا هرگاه کردار انسان گنه کار در سرای دیگر  
تجسم یابد خود بهترین گواه بر جرم بوده و راه هر گونه انکار را بر او مسدود می سازد .

فرق تجسم و تمثّل و تجسّد : تمثال : صورت بستن کسی یا چیزی به نگارش و جز  
آن ، شکل چیزی ساختن خواه مجسم یا غیر مجسم . این کلمه دو بار به صورت جمع «تمائیل»  
در قرآن آمده : (الانبیاء، ۵۲/۲۱؛ سبأ، ۱۳/۳۴) . مرحوم طبرسی گفته : «التمائیل صور الاشیاء ؛  
تمائیل شکل چیزها است آن چنان که نمایانگر آنها باشد»<sup>۱</sup> .

از امام صادق (ع) در تفسیر «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَائِيلَ...» [سبأ، ۱۳/۳۴]  
آمده که فرموده : «و به خدا سوگند آن تمثال ها [که جنیان برای سلیمان می ساختند] تمثال  
مرد و زن نبوده بلکه تمثال درخت و مانند آن بوده است .<sup>۲</sup>

تمثّل : قصاص گرفتن ، خواندن بیتهای را بعد بیت دیگر . مثل زدن . مانند چیزی  
شدن . «فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحًا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (مریم، ۱۷/۱۹) ؛ «پس روح خود را به نزد او  
فرستادیم که مانند بشری خوش اندام بر او نمایان شد» .

تجسیم : تناور کردن ، به جسم نسبت کردن و چیزی را جسم گردانیدن .  
تجسم : تناور شدن کار به همین فراپیش گرفتن ، شیء معنوی به جسم متحول گشتن .

این اصطلاح - تجسم اعمال - اساس مذهبی دارد که شرایع و مذاهب در باب اصول عقاید مطرح کرده اند و خواسته اند مسأله چگونگی لذت و ألم اخروی و عذاب قبر و میزان و حساب و نشر صحف را در روز قیامت که شرایع، بدان نازل شده اند بدانند.<sup>۳</sup>

خلاصه کلام آن که در روز قیامت، اعمال هر کس نصب العین او شده و به صورت قبائح و یا زیبا نمودار می شود: «... یَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ... أَرْجُلُهُمْ» (النور، ۲۴/۲۴) و زشت کاران و نیکوکاران هر یک نتیجه عمل خود را که در دنیا انجام داده اند ببینند.

ملاصدرا این مسأله را به نحو خاصی مورد بررسی و توجه قرار داده و گوید: شکی نیست که هر عملی را اثری است در نفس و اثری در خارج، و نفس انسان در مقابل اعمال و رفتار خود، متأثر می شود و همان طور که اعمال و رفتار و بالجمله اکتسابات انسان است و هر یک از ملکات نفسانی را ظهوری است در هر یک از مواظن و قوابل. و هر صفت جسمانی و یا روحانی در مقام مقارنت و مجاورت با قابلی، اثری در آن قابل می گذارد و نحوه اثر آن در هر یک از مواظن و قوابل متفاوت است و همان طوری که اعمال خارجی اثر می گذارند، ملکات نفسانی نیز در خارج اثر می کنند و آثاری از فضایل و رذایل نفسانی در خارج حاصل می شود، مثلاً: غضب، که یکی از ملکات و صفات نفسانی است، در نشئه آخرت به صورت نار محرقه مجسم شود و صاحب آن را بسوزاند، که فرمودند: «الدنیا مزرعة الآخرة» و همین طور، جود، علم و سایر صفات که از کیفیات نفسانی اند به صورت سلسبیل در آیند و «أکل مال یتیم ظلماً» در نشأت آخرت به صورت آتش در بطون خورندگان آن در آیند و آنها را بسوزاند و بالاخره ملکات فاضله و رذایل که از مکتسبات نفسانی است و از آثار و اعمال انسان است در نشأت دنیوی، به عینه در نشأت دیگر مجسم شوند و نتیجه عمل هر کس بدین طریق برای او نمودار شود.<sup>۴</sup>

رسول خدا (ص): «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا خَرَجَ [خَرَجَ] مِنْ قَبْرِهِ صَوَّرَ لَهُ عَمَلَهُ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ، فَيَقُولُ لَهُ، مَا أَنْتَ؟ فَيَقُولُ: لَأَرَاكَ أَمْرًا صَدَقَ، فَيَقُولُ لَهُ: أَنَا عَمَلُكَ، فَيَكُونُ اللَّهُ نُورًا وَ قَائِدًا إِلَى الْجَنَّةِ...»<sup>۵</sup>.

و روایاتی بدین مضمون که عمل آدمی در قبر، ملازم و مصاحب اوست. وجوهی که مفسرین و شارحین سلف در این باره گفته اند یا قابل ذکر است عبارتند از:

۱. مراد از رؤیت عمل و حضور آن به نزد عامل، دیدن وی صورت مکتوب و درون آن

در نامه عمل خود باشد .

۲. جزا و پاداش و پیامد عمل ، خواه نیک و خواه بد .

۳. صورت و شکل و هیكلی منعکس از عمل و متناسب با آن - وحشت انگیز و کابوس گونه ، اگر عمل بد باشد ، و مسرت انگیز و شادی بخش ، در صورتی که عمل نیکو باشد - که این وجه در مورد روایات مربوطه صدق می کند .<sup>۶</sup>

مقصود از این تجسم اعمال یا تمثل این است که آن چه را انسان در این جهان انجام داده است در جهان دیگر به صورتی متناسب با آن جهان نمودار گردد . به عبارت دیگر پاداش ها و کیفرها ، نعمت ها و نعمت ها ، فرح و سرور و درد و شکنجه ، همان حقایق اعمال دنیوی انسان هاست که در حیات اخروی خود را نشان می دهند .

بنابراین اعمال نیک انسان در روز رستاخیز تغییر شکل داده به صورت باغ و چمن و حوریان زیبا اندام و کاخ های مجلل در خواهد آمد چنان که اعمال بد ، قیافه دنیوی خود را دگرگون کرده و به صورت آتش و زنجیر و انواع عذاب نمودار خواهد شد . جزای اعمال هر انسانی شیوه اعمال او خواهد بود و چیزی در محکمه عدل الهی بهتر از این نیست که عین عمل انسان را به خود او باز گردانند . از این مطلب در اصطلاح علمی به تجسم اعمال تعبیر آورده می شود .<sup>۷</sup>

و اصولاً انسان در آن روز باید آن اعمال را به صورت بارگرانی حمل شده چنان که در قرآن می خوانیم : «يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ» (الأنعام، ۳۱/۶) ؛ «گناهانی که در دنیا به صورت کار و انرژی از انسان صادر شده ، در آن روز به صورت یک بار ، بر دوش انسان سنگینی می کند» .<sup>۸</sup>

حقیقت انسان بستگی به همان نیت ها ، خصلت ها و ملکات نفسانی او دارد بنابر این اگر چه انسان از نظر صورت دنیوی یک نوع است ، ولی از نظر صورت اخروی مختلف خواهد بود . هرگاه شهوت و غضب بر او غلبه کند صورت اخروی او حیوان درنده است هرگاه مکر و حيله حکمران وجود کارهای او باشد نوع اخرویش شیطان است و هرگاه اخلاق پسندیده در نفس او رسوخ کند به صورت های زیبای بهشتی تمثل خواهد یافت .

تفاوت های دنیا و آخرت : برای فهم صحیح تر بحث تجسم اعمال بایستی تفاوت های دنیا و آخرت کاملاً مشخص شود ، که عبارتند از :

۱. دنیا سراسر تغییر و تحول و حرکت است، آخرت جهان بقاء و ثبات است.
۲. در این جهان مرگ و زندگی با هم آمیخته است ولی آن جهان سراپا زندگی است حتی زمین آخرت، سنگریزه های آن، درخت و میوه، آتش همگی حیات دارند. قرآن می فرماید: «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (العنکبوت، ۶۴/۲۹)؛ «همانا منحصرآ خانه آخرت خانه ای است که زنده است».
۳. دنیا دار عمل و تکلیف است، آخرت دار جزا و نتیجه اعمال.
۴. در دنیا تا حدی سرنوشت مردم مشترک و در سعادت و شقاوت هم مؤثرند. ولی در آخرت کسی در عمل دیگری سهیم نمی باشد «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (الأَنْعَام، ۱۴۶/۶)؛ «هیچ کس بار دیگری و گناه دیگری را به دوش نمی گیرد». «وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ» (العنکبوت، ۱۳/۲۹)؛ «پیشوایان اضلال، علاوه بر بار ضلالت خویش، بار اغوا و ضلالت دیگران را هم می برند». زیرا اینها سردمداران گمراهی بوده اند. لذا بار زشت ضلالت دیگران هم بر دوش آن ها سنگینی می کند.
۵. مجازات های دنیا با آخرت متفاوت است زیرا: مجازات های دنیایی قراردادی است و برخی گناهان در همین دنیا اثر وضعی خود را دارد و مجازات با گناه رابطه علی و معلولی دارد. اما مجازات های آخرتی رابطه تکوینی قوی تری با گناه دارد و رابطه عینیت و اتحاد است، مجازات در حقیقت تجسم عینی قبیح و یا زیبایی خود عمل است.

## آیات تجسم اعمال

آیات تجسم اعمال چند دسته است:

یکم: آیاتی که بر زنده و مشهود بودن عمل پس از مرگ دلالت دارد، مانند: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا» (آل عمران، ۳۰/۳).

امام صادق (ع) می فرمایند: «انسان در روز قیامت هر چه کرده همه را به خاطر می آورد...»<sup>۹</sup>.  
دوم: آیاتی است که دلالت دارد آن چه را انسان به عنوان «خیر» و کار نیک پیش می فرستد یا به عنوان «شر» و عمل قبیح انجام می دهد همه را خواهد دید. طبعاً عامل نیز از عمل خود جدا نیست. اگر کردار انسان از نوع خیر باشد نزد خدا جای می گیرد و اگر از

جنس شرور باشد به قهر الهی گرفتار می آید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (البقرة، ۲/۱۱۰)، و آیه: «يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا» (النبا، ۷۸/۴۰).

سوم: آیاتی است که دلالت دارد همه کردار و حتی پنهانی های اسرار و رموز انسان در قیامت آشکار می شود، مانند: «وَإِنْ تُبْذَرُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ» (البقرة، ۲/۲۸۴). امام صادق (ع) می فرماید: «حقیق علی الله أن يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال حبة من خردل من حبهما»؛ حبّ أهل بیت (ع). ۱۰

چهارم: آیاتی است که دلالت دارد انسان در برابر کردار خویش به پاداش کامل خواهد رسید و آن چه را کسب کرده به او کاملاً باز پرداخت خواهد شد، مانند: «وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ» (آل عمران، ۳/۱۸۵)؛ «قطعاً در روز قیامت شما کاملاً به مزد اعمال خود خواهید رسید. پس هر کس خود را از آتش جهنم دور داشت و به بهشت ابدی در آمد به پیروزی دست یافته است».

پنجم: آیاتی که دلالت دارد اعمال انسان آزموده می شود، انسان آن را می چشد تا بفهمد شیرین است یا تلخ. چه بسا کرداری که در دنیا شیرین جلوه کرده و در قیامت تلخ نماید و بر عکس. زیرا «حققت الجنة بالمكارة و حققت النار بالشهوات»<sup>۱۱</sup>، از این رو قرآن کریم می فرماید: «هَذَا لِكِ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ» (یونس، ۱۰/۳۰)؛ «در آن روز هر کرداری را که انسان قبلاً در دنیا انجام داده بود و در بوته آزمایش می گذارد و همه به سوی مولای حقیقی خود بازگردانده می شوند».

ششم: آیاتی است که دلالت دارد، پاداش عین عمل و کرده انسان عین پاداش است. در این زمینه آیات فراوانی است از جمله: «إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (الطور، ۱۶/۵۲؛ التحريم، ۷/۶۶)، «فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (القصص، ۸۴/۲۸).

هفتم: آیاتی است که بر چگونگی ارائه عمل به انسان در قیامت دلالت دارد، مثلاً: در برخی آیات عمل انسان به صورت غل و زنجیر بر گردن آدمی بیان شده است: «وَجَعَلْنَا الْأَعْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سبا، ۳۴/۳۳)؛ «ما زنجیرهای عذاب بر گردن کافران نهاده و گوییم آیا این شکنجه جز پاداش کردار شماست؟». بنابراین، حقیقت عمل انسان به صورت غل و زنجیر گردن گیر او می شود.

امام سجاد(ع) نیز در دعای ختم قرآن می فرماید: «و صارت الْعَمَالُ فُلَانِدُ فِي الْعُنَاقِ». ۱۲  
هشتم: آیاتی است که دلالت دارد بر این که: اعمال انسان دارای ظاهر و باطنی است،  
مثلاً: خوردن مال مردم؛ آتش خوردن است. و مصداق کامل آن خوردن مال یتیم است: «إِنَّ  
الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا» (النساء، ۱۰/۴)؛  
«در حقیقت کسانی که اموال یتیمان را به ستم می خورند، جز این نیست که آتشی در شکم  
خود فرو می برند، و به زودی در آتش فروزان در آیند».

نهم: آیاتی است که دلالت دارد بر این که وقتی ظلم که در حقیقت آتش است، در جان  
انسان ملکه شود، خود انسان هیزم و مواد سوختی جهنم می شود؛ «وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ  
حَطَبًا» (الجن، ۱۵/۷۲)؛ «اما اهل ستم [قسط] هیزم جهنم هستند» و آیه: «فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُتُوهُمَا  
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (البقرة، ۲۴/۲)؛ «بترسید از آتشی که هیزم، یعنی: آتش گیره و آتش زنه آن، مردم  
بد کار و سنگریزه هاست». اینان هم چون سنگ های آتش زا و آتش بر انگیزند.

دهم: آیاتی که دلالت دارد در قیامت قدرت عمل و کردار انسان به حدی قوی است که  
عامل را به صورت خود در می آورد. هر گروه به شکل حیوانی وارد صحنه محشر  
می شوند: دسته ای به شکل مور و گروهی به صورت بوزینه و... ۱۳  
یازدهم: مقصود از تجسم یا «تمثل» این است که در جهان دیگر به صورتی متناسب با  
آن جهان نمودار گردد.

کوتاه سخن آن که: جزاء اعمال هر انسانی عین اعمال او خواهد بود و در این جمله ذره  
ای مجاز گوئی نیست و چیزی در محکمه عدل خداوند، بهتر از این نیست که عین عمل  
انسان را به خود انسان باز گردانند؛ از این مطلب در اصطلاح علمی به «تجسم اعمال»  
تعبیر آورده می شود.

در کنار «تجسم اعمال» که غالباً ناظر به کردارهای مربوط به جوارح انسان است، مسأله  
دیگری مطرح می شود که از آن به تبلور یا تجسم نیت ها و ملکات نفسانی تعبیر می شود، و  
مقصود این است که صورت حقیقی انسان بستگی به همان نیت و خصلت ها و ملکات  
نفسانی او دارد، و بر این اساس اگر چه انسان ها از نظر صورت ظاهری یکسانند ولی از  
نظر باطنی یعنی خصلت ها و ملکات، انواع یا صفات گوناگونی دارد.

## مصدق‌های تجسم اعمال در قرآن

آیهٔ اول: یکی از مسائل مهم تجسم، تجسم نوری عمل و نیت درونی انسان هاست؛ «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ...» (الحديد، ۱۲/۵۷)؛ «روزی که مردان و زنان با ایمان را می بینی که نور وجود آنان در پیشاپیش و جانب راست آنان در حرکت است». ظاهر آیه دلالت دارد که در قیامت، وجود انسان های باایمان به صورت منبع نوری در آمده که پیش رو و اطراف آنان را روشن می سازد.

اکنون باید دید آنان، این نور را از کجا آورده اند؟ پاسخ این سوال را می توان از خود قرآن به دست آورد، زیرا آنگاه که منافقان از آنان درخواست می کنند که اندکی درنگ نمایند، تا این گروه نیز در پرتو نور آنان حرکت نمایند، به منافقان می گویند: «ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا» (الحديد، ۱۳/۵۷)؛ «به عقب [دنیا] باز گردید و برای خود نور به دست آورید». یعنی: ما این نور را در دنیا کسب کرده ایم، و شما اگر می توانید [که نمی توانید] به دنیا باز گردید و برای خود تحصیل نور نمایید.

حال چگونه این نور از دنیا نشأت گرفته است، دو احتمال دارد: الف: شخصیت والای آنان در پرتو اطاعت و عبادت به صورت کانون ملکات زیبا در آمده و در جهان دیگر به صورت نور تجلی می کند. ب: چهره واقعی اعمال صالح و صفات نیک آنان نمایان گردیده و به صورت نور تجسم یافته است.

آیهٔ دوم: قرآن به مستکبرانی که طلاها و نقره ها را به کنز می زنند و از گردش در دست مردم در مسیر مصرف جلوگیری می کنند، هشدار می دهد که همین اندوخته ها در سرای دیگر سرخ گردیده و بر پیشانی و پشت و پهلوی آنان نهاده می شود چنان که می فرمایند: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ... فِي نَارِ جَهَنَّمَ... هَذَا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (التوبة، ۳۴-۳۵/۹).

گویی طلا و نقره در دو نشئه «دنیا و آخرت» به دو صورت مجسم می گردد، در این جهان به صورت فلز خیره کننده چشم ها، و در جهان آخرت به صورت عذاب دردناک خداوندی.

آیهٔ سوم: «سَيُطَوَّفُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (آل عمران، ۱۸۰/۳) این آیه نیز بسان آیه قبل می رساند که اموالی که انسان برخلاف حکم الهی روی هم انباشته کند، در قیامت به



صورت طوقی آزار دهنده تجسم خواهد یافت و مایه عذاب بخل و رزان می شود. آیه چهارم: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (الزلزلة، ۷-۸/۹۹)؛ «هر کس به اندازه سنگینی [خردلی] ذره ای کار نیک انجام دهد آن را می بیند، و هر به اندازه سنگینی ذره ای کار بد انجام دهد، آن را می بیند».

کلمه «یَرَهُ» بازگشت ضمیر در آن به خود عمل که از کلمه بعمل استفاده شود، و یا به دو کلمه «خَيْرًا» و «شَرًّا» برمی گردد، و در هر دو صورت ظاهر آیه این که انسان در سرای دیگر خود عمل را می بیند کسانی که می گویند مقصود این است که پاداش و کیفر را می بیند، آیه را بر خلاف ظاهر آن حمل می کنند.

آیه پنجم: قرآن درباره مواردی که آتش دوزخ از آن شعله ور می گردد «وَقُودًا» چنین می فرماید: «... فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...» (البقرة، ۲/۲۴)؛ «از آتش دوزخ که مواد مشتعل کننده آن انسان ها و سنگ ها [بتان] می باشد، بپرهیزید». این آیه در سوره تحریم نیز با اندکی تفاوت آمده است آنجا که می فرماید: «فَوَا انْفُسِكُمْ وَاَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (التحریم، ۶/۶۶)؛ «خود را از آتشی که آتش گیره آن انسان و سنگ ها می باشد، حفظ نمائید».

مفاد ظاهر این قبیل آیات آن است که دوزخیان خود عامل مشتعل شدن آتش دوزخ می باشند، یعنی: کفر و شرک و ملکات رذیله ای که بر اثر گناهان در نفس آنان رسوخ نموده است و در شرائط خاص رستاخیز به صورت «آتش گیره» در می آید.

آیه ششم: «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّبِيَّةِ فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (النمل، ۲۷/۹۰)؛ «آنان که گنهگار و زشت کردار گام به محشر می نهند، به صورت، در جهنم فرو می افتند آیا به چیزی جز آنچه انجام داده اند، جزا داده می شوند؟». یعنی: وضعیت ناگوار آنان در دوزخ در حقیقت تجسم همان کارهای ناروای آنان در دنیا است.

آیه هفتم: «فَالْيَوْمَ لَا تَنْظُمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (یس، ۳۶/۵۴)؛ «امروز [قیامت] به کسی ستم نمی شود و جزای شما چیزی جز اعمالی که در دنیا انجام داده اید، نیست». آیات در این باره بسیار است؛ از جمله به آیات: (الصفات، ۳۷/۳۹؛ الجاثية، ۴۵/۱۴؛ الطور، ۵۲/۷؛ القصص، ۲۸/۸۴؛...) رجوع شود.

آیه هشتم: از جمله آیاتی که می توان آن را دلیل روشنی بر نظریه تجسم اعمال دانست

آیه یاد شده در زیر است چنان که می فرماید: «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَكُمُ فَبَصُرْتُمْ الْيَوْمَ حَدِيدًا» (ق، ۲۲/۵۰)؛ «[به گنهکار خطاب شده و گفته می شود] تو از این روز [قیامت و حقائق آن] غافل بودی پس پرده غفلت را از تو برگرفتیم دیدگانت تیز گردیده، حقیقت ها را درک می کنی».

کلمه های «غفلت» و «کشف غطاء» می رساند که چیزی در دنیا پیوسته با انسان همراه بوده و او از آن غفلت داشته است در روز رستاخیز که پرده های مادیت، انانیت و غرور و... کنار می رود به روشنی حقایق را مشاهده می شود. بنابراین وراء این صورت ظاهری دنیوی اعمال، صورتی اخروی تحقق دارد که انسان سرگرم به ظواهر زندگی مادی و بی خبر از حقائق غیبی آفرینش به کلی از آن غافل است ولی در جهان رستاخیز آن ها را مشاهده خواهد کرد ولی افسوس که دیگر دیر شده تنبه و تذکر دیگر سودی ندارد چنان که می فرماید: «يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى» (الفجر، ۲۳/۸۹)؛ «این روز انسان [از خواب غفلت] بیدار شده و یادآور حقائق اعمال خود می شود، ولی آن تذکر و یادآوری چه سودی دارد؟».

### تجسم اعمال در سوره یاسین

برای بررسی تجسم اعمال در این سوره، ابتدا به ترسیمی که از قیامت شده دقت نموده؛ خداوند می فرماید: «وَأَمَّا زُورًا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ» (یس، ۵۹/۳۶)؛ یعنی: آن روز به مجرمین می گوئیم: از بهشتیان جدا شوید. و منظور از «آن روز» روز قیامت است «الَّذِينَ عَاهَدُوا لَكُمْ بِنَبِيٍّ أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَتَىٰ عَلَىٰ الْإِنسَانِ عَهْدُهُ بِمَا عَاهَدُوا عَلَيْكُمْ وَأَوَّحَىٰ بِرُوحِنَا وَوَحَّيْنَا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَّا يَکْفُرُوا بِمَا كَفَرُوا» (یس، ۶۰/۳۶)؛ کلمه «عهد» به معنای وصیت - سفارش - است. و مراد از «عبادت کردن و پرستیدن شیطان» اطاعت اوست در وسوسه هایی که می کند و به آن امر می کند؛ یعنی: وسوسه های شیطان را اطاعت نکنید، زیرا که غیر از خداوند و کسانی را که خداوند دستور داده نباید اطاعت کرد. در این آیه برای پرستیدن شیطان چنین علت آورده که او برای شما دشمنی آشکار است. ۱۴

و پس از اتمام حجت تاکید می نماید که بسیاری از انسان ها فریب شیطان را می خورند در حالی که جهنم وعده داده شده مهیا است. لفظ آیه اشاره دارد به این که: در روز قیامت جهنم را حاضر می کنند: «اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (یس، ۳۶ / ۶۴) کلمه «صلا» به معنای ملازمت و پیروی کردن است و چشیدن حرارت است، که خطاب آیه به

کفار است. «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یس، ۳۶/۶۵)؛ «هر یک از دست و پاهایشان شهادت می دهد به آن کارهایی که به وسیله آن عضو انجام داده اند».

و از همین جا روشن می گردد که هر عضوی به عمل مخصوص به خود شهادت می دهد و گویا می گردد. و نام دست و پا در آیه شریفه از باب ذکر نمونه است. و گرنه چشم و گوش و زبان و دندان، و هر عضو دیگر نیز به کارهایی که به وسیله آنها انجام شده، شهادت می دهند. و لذا می بینیم که در جای دیگر قرآن نام گوش و چشم و قلب را برده، و فرموده: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (الإسراء، ۱۷/۳۶)؛ «به تحقیق گوش و چشم و قلب همه اینها مورد بازخواست قرار می گیرند». و در سوره: (فصلت، ۴۱/۲۰) نام پوست بدن را آورده است. ۱۵

در کتاب تفسیر قمی ذیل جمله: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس، ۳۶/۵۸)، فرموده: سلام از ناحیه خدا به معنای امان است، و در ذیل جمله: «وَأَمَّا زُورًا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ» (یس، ۳۶/۵۹)، فرموده: چون خدا خلق را در روز قیامت جمع کند، همه برپا خواهند ماند به حدی که عرق ایشان را فرا می گیرد، پس ندا می کنند: پروردگارا به حساب ما رسیدگی کن هر چند که جهنمی باشیم، تکلیفمان را معلوم کن، تا اگر دوزخی هستیم به دوزخ برویم.

آن گاه فرمود: خدای تعالی بادهایی می فرستد تا در بین آنان بوزد، و منادی ندا می کند: ای مجرمین امروز از بهشتیان جدا شوید. پس از یکدیگر جدا می شوند، مجرمین در آتش می افتند، و کسی که در قلبش ایمان باشد به سوی بهشت می رود. ۱۶

در کافی به سند خود از محمد بن سالم از امام ابی جعفر (ع) روایت کرده که در ضمن حدیثی فرمود: «این که در روز قیامت اعضای بدن علیه آدمی شهادت می دهد، مربوط به آدم مؤمن نیست، بلکه این راجع به کسانی است که: عذاب خدا بر آنان حتمی شده باشد، و اما مؤمن نامه عملش را به دست راستش می دهند». ۱۷

و در تفسیر عیاشی از مسعدة بن صدقه از امام صادق (ع) از جدش (ع) روایت کرده که فرمود: «امیرالمؤمنین (ع) در آن خطبه اش که راجع به اوصاف قیامت است، فرمود: «خداوند بر دهن ها مهر می زند و دیگر کسی نمی تواند سخنی بگوید، بلکه به جای زبان دست ها سخن می گویند، و پاها شهادت می دهند، و پوست بدن ها به زبان می آیند، و به آنچه

کرده اند ناطق می شوند، پس نمی توانند هیچ جریانی را از خدا کتمان کنند. ۱۸

زیبایی مختار بودن انسان این که با وجود همه غفلت ها و جذابیت ها و فریبندگی های دنیا، آدمی با درک حقیقت زیبایی عبودیت و بندگی، خدایی شدن را انتخاب کند و این هنر مردان و زنان آسمانی است. بانو امین در کتاب «مخزن العرفان فی تفسیر القرآن» آیات مربوط به تجسم اعمال را این گونه تفسیر می کند: «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهِونَ» (یس، ۳۶/۵۵)؛ وقتی قیامت بر پا گردید در آن روز اهل بهشت و اولیاء الهی چنان به نعمت های بهشتی که جزاء و پاداش اعمال دنیوی آنها است سر گرم و مشغول خواهند بود که شاید التفاتی به أشقیاء و اوضاع محشر و عذاب گناه کاران حتی خویشاوندان خود نیز نخواهند داشت. و بعضی گفته اند هفت نوع نعمت به إزاء هفت عضو از اعضاء آنان برای آن ها مهیا گردیده:

- اول: پاداش پای آنها است، که به آن اشاره دارد: «ادْخُلُوها بِسَلَامٍ آمِنِينَ» (الحجر، ۴۶/۱۵).
  - دوم: پاداش دست آنها است: «يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ» (الطور، ۲۳/۵۲). ۱۹
  - سوم: پاداش فرج آنان است: «وَأَحْزورٌ عَيْنٍ...» (الواقعة، ۲۲/۵۶).
  - چهارم: پاداش شکم آنها است: «كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا» (الطور، ۱۹/۵۲).
  - پنجم: پاداش گوش آنها است: «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا» (مریم، ۶۲/۱۹).
  - ششم: پاداش زبان آنها است: «وَأَخْرُدُّ دَعْوَاهُمْ...» (یونس، ۱۰/۱۰).
  - هفتم: پاداش چشم آنها است: «وَوَكَّلْتُ الْأَعْيُنُ» (الزخرف، ۷۱/۴۳)؛ «هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِنُونَ» (یس، ۵۶/۳۶) «الْأَرَائِكِ»: جمع آریکه به معنای تخت حجله یا مطلق تخت است که برای تکیه گاه تأسیس می کنند. ظاهراً مقصود از ازواج زن های دنیوی باشند که در ایمان و عمل با شوهرهای خود که اهل بهشتند موافقت دارند و همین طوری که در دنیا موافق و مونس هم بودند در بهشت نیز چنینند.
- لکن مؤمنین در قیامت به قوت وجودشان متصرف در اشیاء ما دون خود خواهند گردید و آن چه بخواهند فوراً نزد آنها ظاهر می گردد.
- در روز قیامت اعضاء سخن می گویند و به گناه خود اعتراف می نمایند، و خدا در اعضاء آنها خلق کلام خواهد نمود و کلام را نسبت به اعضاء می دهند زیرا که به توسط آنها سخن گفته می شود.

معنای شهادت اعضاء و سخن گفتن آنها برای این خواهد بود که دلالت کند و نشانه باشد که اینان معصیت خدا را نموده اند و این که آن را شهادت نامیده اند مثل این است که گفته می شود چشم تو شهادت می دهد که سحر بیدار بوده ای . بهتر این است که در توضیح آیه گفته شود چون در محل خود بدلیل عقلی و نقلی ثابت گردیده که در کمون تمام موجودات قوه و استعداد حیات مخفی است وقتی از صورت کنونی دنیوی تحول پیدا می کند به صورت جمعی اخروی آنچه از استعداد کمال در آنها موجود بوده به فعلیت و ظهور خواهد رسید این است که عالم قیامت را عالم حیوان نامیده در سوره فصلت «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (العنکبوت، ۶۴/۲۹) و شاید همین باشد سر شهادت اعضاء آدمی بر علیه وی و بنا بر این معنای آیه به ظاهر خود باقی خواهد بود دیگر توجیه و صرف الکلام از ظاهر لازم نمی آید . ۲۰

### تجسم اعمال در روایات معصومین (ع)

- ۱ . رسول گرامی (ص) فرمودند : « اتقوا الظلم فانه ظلمات يوم القيامة ؛ از ستمگری پرهیزید زیرا ظلم و ستم در روز قیامت به صورت تاریکی ها تجسم می یابد » . ۲۱
- ۲ . علی (ع) فرموده اند : « و أعمال العباد في عاجلهم نصب أعينهم في أجلهم ؛ کارهایی که افراد در دنیا انجام می دهند ، در آخرت در برابر آنان قرار داده خواهد شد » . ۲۲
- ۳ . امام صادق (ع) می فرمودند : جبرئیل نزد پیامبر (ص) آمده به او گفت : « عش ما شئت فإنتك ميت و أحب ما شئت فإنتك مفارقة و اعلم ما شئت فإنتك ملاقيه ؛ هر طور که میل داری زندگی کن ، ولی سرانجام باید بمیری و هر چه و هر کس را می خواهی دوست بدار ، سرانجام از او جدا خواهی شد ، و هر عملی که می خواهی به جای آور ، حقا که تو در قیامت آن را ملاقات خواهی کرد » . ۲۳

تجسم عمل در هنگام احتضار و تجلی ملک الموت بر محتضر : هنگام احتضار «ملک الموت» و اعوان او به تناسب عقاید و اعمال و ملکات هر کسی ، ظاهر می شوند ، لذا بعضی ها آنان را به صورت زیبا و برخی دیگر ، به صورت هولناک می بینند ، مشهور بین علمای متکلم این است که «ملک» می تواند به هر شکلی که بخواهد ، درآید و لذا برای هر محتضری به شکلی به تناسب همان محتضر برای خود اختیار می کند و بر او ظاهر می شود ،

برای مؤمنین، صورت زیبا اختیار می کند و بر کفار و گناهکاران، به صورت زشت، ظاهر می شوند.

علامه طباطبائی می فرماید: ملک الموت و أعوان او از فرشتگان دیگر، ماهیت های مختلفی ندارند تا هر وقت بخواهد وجودشان در قالب یک ماهیت به وجود آید، بلکه چون از موجودات ملکوتیه و مجرد هستند، بنابراین، عیناً مانند آینه صاف و روشن بوده و خودبین و خودنما نیستند، بلکه غیر نما هستند و در مقابل روح هر شخص محتضری واقع شوند. عکس کمالات یا زشتی های او در آن ها پیدا می شود و لذا شخصی که در حال جان دادن است؛ صورت ملکوتیه و صفات و اخلاق خود را چه نیکو باشد و چه ناپسند، در صورت و جمال آن ها مشاهده می کند و در واقع حسن و جمال، یا قبیح و زشتی نفس ناطقه خود را در آنها می بیند... ۲۴.

حال میت از وقت احتضار تا ورود به قبر: یکی از تفاوت های مهمی که بین عالم طبیعت، یعنی: جهان قبل از مرگ و ماورای طبیعت، یعنی: عوالم بعد از مرگ، از جهت تکوین وجود دارد، مسأله تجسم و تمثّل اعمال است. از آیات قرآن شریف و روایات اولیای دین بر می آید که اعمال خوب درست کاران و کارهای بد نادرستان، به گونه ای که بر ما مجهول است، در عالم برزخ و قیامت مجسم می گردند و همه انسان ها اعمال روا و ناروایی را که در دنیا انجام داده اند، خواه کوچک باشد و خواه بزرگ، در مقابل خویش حاضر می یابند و از نزدیک مشاهده می کنند و این خود یکی از پیچیده ترین و مشکل ترین امور در عوالم بعد از مرگ است.

به موجب بعضی از روایات، اعمال هر انسان از لحظات بعد از مرگ، یعنی: در مراحل ابتدایی عالم برزخ، تمثّل می یابد و صاحب عمل در ملکوت قبر، با چشم برزخی آن را می بیند و تا قیام قیامت با او خواهد بود. پاکان از مشاهده کارهای خویش مسرور و شادمانند و ناپاکان متألّم و ناراحت. در عالم آخرت که دار تعالی و تکامل است، همه چیز و همه کس به رشد نهایی خود می رسد، و تجسم اعمال هم از این اصل کلی مستثنا نیست. نکته جالب آن که نه تنها کارهای بدنی و اعمال خوب و نیت های بد مردم که عمل روحی آنان است، هم مانند اعمال بدشان تجسم می یابند.

عن النبی (ص): «نیت المؤمن خیر من عمله و نیت الکافر شرّ من عمله و کل عامل یعمل

علی نیت؛ نیت مومن از عملش بهتر است و نیت کافر از عملش بدتر. و هر کس بر طبق نیت خود عمل می کند» ۲۵.

از آیات و اخبار برمی آید که مجموع کارهای خوب افراد با ایمان، یک جا و به صورت موجودی جمیل، متمثل می شوند و در کنار صاحب عمل، قرار می گیرند. ولی از بعضی از روایات استفاده می شود که پاره ای از اعمال خوب آدمی، تمثل مستقل دارند.

در روایات متعدد وارد شده که در موقع نزع و جان کندن، مال و اهل و عیال و عمل و حتی دوستان محضر، در نظرش مجسم و ممثل می شوند و شخص محضر که در سخت ترین حالات عمرش قرار دارد از آن ها استمداد کرده و کمک می طلبد، اما متأسفانه کاری از آنها ساخته نیست؛ تنها «عمل» است که به او جواب مثبت می دهد و می گوید: «من همراه تو برای همیشه خواهم بود» اما اگر عمل، فاسد و ناصالح باشد، محضر دوست دارد که عمل هم مانند مال و اهل و عیال، او رارها کند و اگر عمل صالح باشد، باعث خوشحالی محضر می شود. ۲۶.

عالم برزخ و بدن مثالی: منظور از برزخ، جهانی است که میان عالم دنیا و عالم آخرت قرار دارد، یعنی: هنگامی که روح از بدن جدا می شود، پیش از آن که بار دیگر در قیامت به بدن اصلی باز گردد، در عالمی که میان این دو عالم است و برزخ نامیده می شود، قرار خواهد داشت.

قرآن در مورد وضع ظالمان و مجرمان می فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ \* لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (المؤمنون، ۹۹/۲۳). و در مورد حال صالحان می فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنَّ لَا تَشْعُرُونَ» (البقرة، ۱۵۴/۲).

این آیه نیز بر حیات برزخی شهیدان و فضیلت آن ها بر دیگران دلالت دارد که در جوار رحمت الهی حضرت حق و غرق در نعمت های الهی و روزی های بسیارند که سایر مردم در حیات برزخی از این برخوردار نیستند.

روح انسان از جدایی و فراغت از بدن مادی در جسم لطیفی قرار می گیرد که از بسیاری از عوارض جسم مادی برکنار است، ولی از آن نظر که شبیه این جسم مادی عنصری است که به آن «بدن مثالی» یا «قالب مثالی» می گویند: نه کاملاً مجرد است و نه مادی محض،

بلکه دارای یک نوع «تجرد برزخی» است. البته آگاهی از «جهان برزخ» برای ما اسیران زندان عالم ماده غیر ممکن است ولی به گفته بعضی دانشمندان می توان آن را تشبیه به حالت رویا کرد که در رویاهای حقیقی، روح انسان با استفاده از قالب مثالی به نقاط مختلف پرواز می کند و از نعمت هایی بهره می گیرد و لذت می برد و گاه مناظر هولناکی را مشاهده می کند و متألم می شود و از خواب بیدار می شود.

در حدیثی از امام صادق (ع) است که می خوانیم: «فاذا قبضه الله عزوجل صیر تلک الروح فی قالب کقالبه فی الدنیا فیأکلون و یشربون فاذا قدم علیهم القادّم عرفوه بتلک الصوره التی کانت فی الدنیا؛ هنگامی که خدای بزرگ مؤمن را قبض روح می کند، او را در قالبی همچون قالبش در دنیا قرار می دهد، پس می خورند و می آشامند و اگر کسی به نزد آن ها آید، آن ها را با همان صورتی که در دنیا داشتند، می شناسد». ۲۷

در حالیکه اعمال مشروع و نامشروعی که افراد مکلف انجام می دهند، علاوه بر بعد ظاهری و عمل بدنی، دارای بعد معنوی و عمل روحی است. بعد معنوی در عبادات، ایمان، معرفت، و خالص بودن نیت است و در گناهان، بی اعتنایی به امر الهی، ناچیز شمردن تعالیم دینی و تجری گناهکار است.

در مسأله تجسم اعمال باید درباره بعد ظاهری عمل، که اعراض قائم به جوهر بدن است، مورد بررسی قرار گیرد، اما بعد معنوی و روحانی، که پایه اصلی عمل است و به مراتب مهمتر از بعد ظاهری است، نباید نادیده گرفته شود.

برای توجیه صحیح تجسم اعمال می توان از علوم فیزیکی هم بهره جست، دقت کنید: مفهوم بقای انرژی، یک قانون بنیادی است که بنا بر مشاهده برای تمام پدیده های طبیعی برقرار است و بقای انرژی را برای آن ها الزامی می کند. یعنی: این که طی تمام تغییراتی که در طبیعت رخ می دهد، انرژی کل تغییر نمی کند، بقای انرژی توصیف انواع فرایندهای طبیعت نیست، بلکه بیان این واقعیت است که کمیتی که انرژی نامیده می شود، بدون توجه به زمان ارزیابی آن یا فرایندهایی که بین ارزیابی های متوالی روی می دهد، ثابت می ماند.

انرژی می تواند به صورت های مختلفی وجود داشته باشد و یا همراه با قید قانون بقای انرژی، از یک صورت به صورت دیگر تبدیل شود. این صورت های مختلف شامل انرژی ثقلی، جنبشی، گرما، کشسایی، الکتریکی، شیمیایی، تابشی، هسته ای و جرم می باشند.



کاربرد عام و همچنین کامل بودن قانون انرژی در صورت های مختلف است که آن را این چنین جالب و سودمند نموده است. ۲۸

در کارگاه وجود ما، بر اثر فعل و انفعال های طبیعی و سوخت و سازهایی که پیوسته طبق برنامه خلقت به وقوع می پیوندد، انرژی های مختلفی که برای ادامه زندگی لازم است تولید می شود و در پرتو آن ها اعمال حیاتی و دیگر کارهای ارادی و غیر ارادی انجام می گیرد. در بحث تجسم اعمال باید به دو مطلب توجه شود:

اول: عملی که در شرع موجب ثواب و عقاب می شود، تنها حرکات بدنی مکلف نیست تا نفی کنندگان تجسم اعمال، آن را از اعراض قائم به جوهر بدن بدانند و بگویند با تغییر وضع اندام و عضلات، عرض نابود می شود، بلکه در عبادات، نیت اطاعت، پایه و اساس اعمال بدن است و بدون نیت و قصد، که کیف عمل روحی است، حرکات بدن مشمول ثواب و عقاب نمی شود.

دوم: پدیده های طبیعت معلول به کار رفتن مقدار انرژی است.

عبادت و معصیت هایی را که افراد مکلف در سراسر عمر انجام می دهند و موضوع تجسم اعمال در کتاب و سنت است دو بعد دارد، یکی بعد روحی و درونی، که حاوی نیت و عقیده قلبی است، و آن دیگر بعد جسمی و برونی، که حامل حرکات و سکناات بدن است. اعمالی را که مکلف در ناحیه بدن انجام می دهد عبارت از این است که مقداری از انرژی جنبشی خود را با اراده و عمد به کار می گیرد و با آن اعضا و عضلات را به فعالیت وا می دارد و به عمل مورد نظر جامه تحقق می پوشد. طبق تحقیقات دانشمندان امروز، انرژی، به هر صورتی که باشد نه تنها نابود نمی گردد، بلکه قابلیت آن را دارد که متراکم شود، تجسم یابد، و به جرم مبدل گردد.

ما اگر چه به معاد جسمانی معتقدیم؛ لکن معنای این سخن آن نیست که همه قوانین مربوط به نظام دنیوی در حیات اخروی نیز جریان خواهد داشت و یگانه فرق میان این دو جهان فاصله شدن مرگ و احیاء دوباره مردگان است. قرآن به صراحت می گوید: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (ابراهیم، ۴۸/۱۴)؛ «روزی که زمین و آسمان به گونه ای مبدل خواهد شد و همه انسان ها از قبرها بیرون آمده و در پیشگاه الهی ظاهر خواهند شد».

نظام اخروی قوانین مخصوص به خود را دارد. نظام آخرت و ظرفیت های وجودی آن با نظام دنیا و ظرفیت های آن فرق می کند. و از همان مباحثی است که ماورای عقلی است. اگر شرایط حیات دگرگون شد چه مانعی دارد که آن چه در این نظام نمی توانست قائم به نفس باشد، در نظام دیگر قائم به نفس بوده و به صورت آتش و غل و زنجیر و یا باغ و حور و قصور تجسم و تمثیل یابد؟

در همه حقائق مربوط به جهان آخرت از قبیل صراط، میزان، اعراف و مانند آن جاری است و نباید در تفسیر آن ها وضع موجود در نظام دنیوی را مقیاس قرار داد.

صدرالمتألهین درباره تجسم و تمثیل ملکات اخلاقی انسان در سرای دیگر می گوید: هرگاه صفتی در نفس انسانی غلبه پیدا کرد و راسخ گردید، آثار آن به طور قهری نمودار می گردد ولی تفاوتی که میان دنیا و آخرت هست این است که چون دنیا دار تحصیل و اکتساب است تبدیل ملکات رذیله به ملکات فضیله ممکن است ولی در سرای دیگر که دوران تحصیل و اکتساب سپری شده است، چنان که قرآن بر این مطلب گواهی می دهد: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا» (الأنعام، ۱۵۸/۶).

در نتیجه انسان با هر صفتی که با آن به قیامت محشور گردد، آثار آن صفت و ملکه نفسانی به طور قهری بروز خواهد کرد و به شکل متناسب با خود و به گونه ای که با شرائط نظام اخروی هم آهنگ باشد مجسم خواهد گردید.

مثلاً غضب و خشم هرگاه برافروخته می گردد، هر چند در حقیقت مربوط به روح انسان و بعد ملکوتی - غیر مادی - او است، ولی آثار آن در همین بدن عنصری نمایان می گردید خون او به جوش آمده صورتش سرخ می شود و حرارت فوق العاده ای بدنش را می سوزاند و اینها همه مربوط به جنبه ملکی و مادی او است بنابراین هیچ جای شگفت نیست که همین صفت ناپسند در سرای دیگر به صورت آتش دوزخ تجسم یابد و فرد غضب آلود را بسوزاند، و از همین جا می توان سایر صفات ناپسند و نیز ملکات حمیده را مورد مطالعه قرار داد، و نحوه تجسم اخروی و ترتیب آثار آنها را در سرای دیگر تصویر نمود.

تا این جا با دلائل نقلی نظریه تجسم اعمال آشنا شدیم و از مطالعه مجموع این دلائل می توان گفت: اصل این نظریه به عنوان یکی از معارف مخصوص قرآن و جهان بینی

اسلامی، قابل انکار نیست، هر چند ما با دانش اندک و فکر ناتوان خود نمی توانیم حقیقت آن را به طور کامل درک نمائیم. آیا شاهد علمی برای تجسم عمل داریم.

**تجسم اعمال و دانش امروزی بشر:** آخرین نظریه درباره «ماده» و «انرژی» این است که ماده و نیرو دو مظهر از یک حقیقت است، و ماده انرژی های متراکم و فشرده است که در شرایط معینی به نیرو تبدیل می گردند، گاهی انرژی متراکم در یک گرم ماده، معادل با قدرت انفجار متجاوز از سی هزار تن دینامیت است و در یک گرم خاک به قدری انرژی ذخیره شده که از محصول یک سال کارخانه بزرگ برق تجاوز می کند، این همان ماده است که در صورت انبساط به صورت انرژی جلوه می کند که اگر حالت انبساط آن از میان برود و به حالت متراکم و فشرده برگردد باز حالت جرمیت و جسمیت به خود می گیرد.

در سال ۱۹۰۵ انیشتاین فرضیه نسبیت را اعلام و رابطه بین جرم و انرژی را که تا آن موقع فکر می کردند از هم متمایز می باشند مطرح نمود و نشان داد که جرم و انرژی قابل تبدیل به یکدیگرند.

«مفهوم بقای انرژی» یک قانون بنیادی است که بنا بر مشاهده برای تمام پدیده های طبیعی برقرار است و بقای انرژی را برای آن ها الزامی می کند یعنی این که در طی تمام تغییراتی که در طبیعت رخ می دهد انرژی کل، تغییر نمی کند.

انرژی می تواند به صورت های مختلفی وجود داشته باشد، این صورت های مختلف شامل انرژی ثقلی، جنبشی، گرما، الکتریکی، شیمیایی، تابشی، هسته ای و جرم می باشند.<sup>۲۹</sup> مثلاً با سبک و سنگین کردن اورانیوم و آب و... انرژی هسته ای و غنی سازی آن ها برای تامین انرژی رآکتورهای اتمی و تولید برق و بهبود وضعیت کشاورزی و اختراع و تجهیزات پزشکی بهره می برند.

بنابراین فعل و عمل انسان و حتی نیت های او پتانسیل و انرژی مخفی آن در وجود انسان ذخیره شده و در عالم دیگر که دارای ظرفیتی وسیع تر و عالی تر است، تجسم می یابد که در ابعاد کوچک آن در همین دنیا قابل مشاهده و تجسم برای ما بوده است؛ و خداوند متعال بر این امر کاملاً قادر و توانا می باشد.

اکنون باید دید حقیقت افعال در انسان چیست؟

پاسخ این است که حقیقت کار در انسان که خود جزئی از جهان ماده است این است

که در انجام هر کار خوب یا بد ذخائر بدنی خویش را به صورت انرژی خرج می کند، اگر نماز می خواند، در حقیقت در تمام لحظه ها و حالات نماز مقداری از ماده حیات او به صورت انرژی درمی آید و اگر انسان بی گناهی را زیر ضربات خود قرار می دهد، نیز به وسیله شلاق زدن مواد بدن را در این طریق صرف می کند و از این قبیل است تمام کارهای خوب و بد انسان خواه کارهای عضوی و بیرونی او و خواه کارهای نفسانی و فکری و درونی او.

از مطالب مزبور نکات یاد شده در زیر به دست می آید:

۱. حقیقت کار در انسان عبارت است از تبدیل ماده به انرژی.
۲. مقدار انرژی از نظر علم امروز ثابت و پا بر جا است.
۳. ماده و انرژی دو چهره از یک واقعیت می باشند.
۴. همان گونه که ماده به انرژی تبدیل می شود انرژی هم در شرایط خاص به ماده مبدل می گردد.

نتیجه طبیعی و منطقی مقدمات مزبور این است که تبدیل شدن اعمال انسان - که مواد تبدیل یافته به انرژی می باشند - در شرایط خاصی امری ممکن و شدنی است همان گونه که در جهان کنونی امری ممکن و بلکه از نظر علم از واقعیات عالم طبیعت به شمار می رود. ۳۰

منتها در عالم آخرت با ظرفیتی وسیع تر و خاص خودش تجسم می یابد.

بنابراین مسأله «تجسم اعمال» یکی از معارف عمیق و بلند قرآن است که اگر چه درک آن برای اندیشه های ظاهربین دشوار و یا غیر ممکن است ولی اندیشمندانی چون صدرالمتألهین از طریق مطالعه عمیق در حالات نفس انسانی و بر پایه اصول مسلم فلسفی به درک آن نائل آمده اند همان گونه که دانش امروز بشر نیز به نوبه خود می تواند در تصور و درک آن بشر را یاری نماید.

البته نباید فراموش کرد که حوادث و حقایق مربوط به جهان آخرت از حقایق غیبی بوده و درک درست و کامل آن برای بشر محبوس و محصور در حصار طبیعت و ماده ممکن نیست مگر آنان که پیوند مستحکمی با جهان غیب داشته و حقایق آن جهان را از نزدیک مشاهده می نمایند که تعدادشان بس اندک و نادر است.

ما از این آیات و روایات الهام گرفته و درباره خصوصیات مربوط به آخرت - که جز از

طریق وحی نمی توان درباره آن اظهار نظر قطعی کرد. که احتمال است در قیامت دو نوع از پاداش و کیفر تحقق یابد. زیرا هیچ مانعی ندارد که در کنار پاداش ها و کیفرهایی که نتیجه طبیعی خود اعمال است. به صورت تولیدی یا به صورت تجسم و تمثّل - پاداش ها و کیفرهای قراردادی و جعلی هم باشد که خداوند براساس علم و حکمت، و فضل و رحمت خود مقرر نموده است.

### نتیجه کلی:

در آیات قرآن تجسم اعمال با عنوان مشاهده کردن عمل، پاداش عمل، عینیت عمل با پاداش آن، ارائه عمل حسنه به صورت نعمت و ارائه عمل سیئه به صورت نقت، ظاهر و باطن عمل بیان شده است.

آیاتی هم دلالت بر این که از لحظه ای که فرشته مرگ برای قبض روح انسان بر او وارد می شود تا قبر و برزخ و قیامت، انسان در گرو عمل خویش است. بدین معنا که قدرت عمل به حدی زیاد است که عامل را به صورت خود درمی آورد. یعنی: به اعتبار اخلاق و ملکات آدمی می تواند فرشته یا حیوان درنده و یا شیطان باشد و در قیامت هم برخی به صورت مورچه و بوزینه و... درمی آیند.

در موعظه جبرئیل (ع) به پیامبر (ص) می فرمایند: «هر طور که میل داری زندگی کن ولی سرانجام باید بمیری و هر چه و هر کس را می خواهی دوست بدار، سرانجام از او جدا خواهی شد، و هر عملی که می خواهی به جای آور، حقاً که تو در قیامت آن را ملاقات خواهی کرد». ۳۱.

عمل و اعتقادات باطل انسان به صورت موجود زشت و کریه، عمل و اعتقادات حق با چهره زیبا که از لحظه احتضار تا قیامت با انسان قرین و همنشین می گردد و مارها و عقرب ها و آتش قبر و قیامت به عینه همان زشتکاری ها و خلیقات مذموم و عقاید باطل آدمی است که در نشئه آخرت به آن شکل ظاهر می گردد.

برخی از علماء تجسم اعمال را به حضور نامه اعمال یا جزای اعمال تاویل نموده اند. اعمال مشروع و نامشروعی که افراد مکلف انجام می دهند علاوه بر بعد ظاهری دارای بعد معنوی و روحی است و عبادات و معاصی که آدمی در سراسر عمر انجام می دهد هم

حاوی نیت و عقیده قلبی است و هم بُعد جسمی - حرکات و سکانات بدن - است که مقداری از انرژی جنبشی خود را با اراده و عمد به کار می‌گیرد و با آن اعضا و عضلات را به فعالیت وامی دارد و به عمل مورد نظر جامعه تحقق می‌پوشد.

طبق تحقیقات دانشمندان امروز، انرژی به هر صورتی که باشد نه تنها نابود نمی‌گردد بلکه قابلیت آن را دارد که متراکم شود، تجسم یابد و به جرم مبدل گردد.

در ثانی نظام اخروی قوانین مخصوص به خود دارد، نظام آخرت و ظرفیت‌های وجودی آن با دنیا کاملاً فرق می‌کند و همان‌طور که زمین و اعضا و جوارح له یا علیه انسان شهادت می‌دهد. به قدرت و مشیت الهی و نظام خاص آخرت اعمال انسان نیز به صورت باطنی آن مجسم می‌گردد و با فهم صحیح بحث تجسم اعمال آدمی می‌تواند به تقوای عملی دست یافته و سعی کند با یاد قیامت زنگارهای قلب را پاک و اعمال خود را کنترل نموده تا مرتکب عمل خلاق نشود. زیرا «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (الإسراء، ۳۶/۱۷) باید باور نمود که با عمل خود محسوس خواهیم شد.

- |   |  |
|---|--|
| ۱. مجمع البیان، ۵۹۶/۸.                  | ۱۷. الکافی، ۳۲/۲.                                      |
| ۲. بحار الأنوار، ۷۴/۱۴.                 | ۱۸. تفسیر عیاشی، ۲۴۲/۱.                                |
| ۳. معارف و معاریف «دستی»، ۲۹/۲.         | ۱۹. مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ۴۷/۱۱.                 |
| ۴. معاد «ملاصدرا» رساله عرشیه/۱۹۵.      | ۲۰. همان/۵۳.   |
| ۵. کنز العمال، ۳۶۴/۱۴.                  | ۲۱. الکافی، ۱۱-۹/۲.                                    |
| ۶. معارف و معاریف، ۳۰/۲.                | ۲۲. نهج البلاغه/قصار ۶.                                |
| ۷. عقاید استدلالی «ربانی گلپایگانی»/۲۹. | ۲۳. الکافی، ۲۵۵/۳.                                     |
| ۸. سیری در جهان پس از مرگ «طاهری»/۴۱۷.  | ۲۴. سیری در جهان پس از مرگ/۲۲۷.                        |
| ۹. نورالثقلین، ۶۵۰/۵.                   | ۲۵. الکافی، ۸۴/۲.                                      |
| ۱۰. همان، ۳۰۲/۱.                        | ۲۶. تفسیر البرهان، ۲۳۹/۴.                              |
| ۱۱. بحار الأنوار، ۷۸/۶۷.                | ۲۷. الکافی، ۲۴۵/۳؛ سیری در نهج البلاغه/ ۲۷۱-۲۷۰.       |
| ۱۲. الصحيفة السجادية/دعای ۴۲.           | ۲۸. دائرة المعارف بریتانیکا، ۸۹۴/۶.                    |
| ۱۳. نورالثقلین، ۴۹۴/۵.                  | ۲۹. همان.  |
| ۱۴. ترجمه المیزان، ۱۵۲/۱۷.              | ۳۰. ر. ک. مکتب اسلام، س ۷/ش ۴ / معاد انسان و جهان/۳۳۹. |
| ۱۵. همان/۱۵۵.                           | ۳۱. الکافی، ۲۵۵/۳.                                     |
| ۱۶. تفسیر قمی، ۲۱۶/۲.                   |  |